

مانیفست کمونیست شهر هوشمند اشرافی (۵)

■ جهان شهر آرمانی بر بنیاد دانش و فناوری

از آن روی که طراحان شهر هوشمند بر اساس واقعیت‌های دنیای آینده و مسیر دانش و فناوری شهر هوشمند را طراحی می‌کنند آرمان‌شهری که بنا می‌کنند تخیلی نخواهد بود. تا زمانی که آرمان‌شهر بر اساس واقعیت‌ها طراحی شود، نمی‌توان آن را تخیلی دانست. هرچند، همان‌گونه که در مقالات پیشین شرح داده شده است چنانچه طراحی شهر هوشمند بر بنیاد آزادی‌های فردی و اجتماعی و حفاظت از حریم خصوصی انسان انجام نگردد نتیجه **ویران‌شهر** خواهد بود و همان خواهد شد که **جورج اورول** در داستان «۱۹۸۴» شرح داده است.

این دانش و فناوری است که می‌تواند **عصر پسا-کمبود** و **آب‌فراوانی** را بیافریند و انسان را از شر کارهایی که انجام‌دادن آنها در شأن او نیست رها سازد و آن کارها را به ماشین بسپارد و امپریالیسم و سرمایه‌داری به‌وجودآورنده نابرابری‌های با فاصله‌های بسیار زیاد را بدون خشونت سرنگون سازد. در برابر چنین آرمان‌شهری نمی‌توان ایستاد. با روش‌های فرادانش نمی‌توان به جامعه‌ای که آرزوی انسان‌هاست رسید.

نظر به این که اتحاد جماهیر شوروی و آلمان نازی آرمان‌شهرهای خود را بر اساس دانش بشری عنوان می‌کردند طراحی آرمان‌شهر بر اساس دانش نوعی واهمه در میان مردم ایجاد می‌کند، داستان‌هایی چون داستان «۱۹۸۴» نوشته **جورج اورول** نیز این نگرانی‌ها را بیشتر می‌کنند. با وجود این، با برطرف کردن ریشه‌های نگرانی توسط دانش و فناوری و مشروط‌سازی هوش مصنوعی و حفاظت از حریم خصوصی انسان می‌توان بدون دغدغه به سوی آینده گام برداشت.

به عنوان نمونه، کشور **استونی** از جمله نخستین کشورهایی است که هدف خود را رسیدن به یک شهر کاملاً هوشمند و جامعه دیجیتال قرار داده است و دستیابی اینترنت را به عنوان یک حق انسانی به رسمیت شناخته است و یک **سیستم نامتمرکز** (decentralised system) از شبکه‌های به‌هم‌متصل گوناگون به وجود آورده است.

چرا شهر هوشمند لاکچری خیال‌پردازی نیست؟

همچنان که پیشتر گفته شد نگرش این مقاله واقع‌گرایانه است. دو پرسش مهم وجود دارد که برای پاسخ به آنها می‌توان از دو قانون تجربی بهره گرفت. پرسش اول آن است که آیا پیشرفت‌های فناوری همچنان در آینده نیز پرشتاب خواهد بود یا نه، و پرسش دوم آن است که آیا **همکاری باز** توان تغییرات اساسی را در جامعه خواهد داشت یا نه. یک قانون جادویی و تجربی مشهور به **قانون مور** (Moore's Law) ادامه پیشرفت‌های فناوری در آینده را نوید می‌دهد و یک قانون جادویی و تجربی دیگر مشهور به **قانون سه‌ونیم درصد** به حرکت‌های بی‌نیاز از انقلاب و **همکاری باز** موفق اشاره دارد، که به ویژه برای عمومی‌ساختن مالکیت ابزارهای تولید و سرنگون‌سازی بدون خشونت کاپیتالیسم و امپریالیسم می‌تواند به کار گرفته شود.

قانون مور

در صنعت الکترونیک قانونی هست مشهور به **قانون مور** (Moore's Law): «هر دو سال تعداد ترانزیستورهای ریزپردازنده‌ها و یا توان رایانش (processing power) کامپیوترها ۲ برابر خواهد شد». این قانون حدود نیم قرن است که صادق بوده است، و فناوری‌های جدیدتر و **رایانش موازی** سبب خواهند شد که این قانون همچنان در آینده صادق باشد.

گوردون مور (Gordon Moore)، یکی از بنیان‌گذاران شرکت **ایتل**، در سال ۱۹۶۵ پیش‌بینی کرد که تعداد ترانزیستورهایی که می‌توان در یک تراشه کامپیوتری جای داد (که یک معیار توانمندی پردازنده نیز هست) هر سال دو برابر می‌شود. در سال ۱۹۷۵ (یعنی، شش سال پیش از آن که اولین IBM PC به صحنه بیاید)، **مور**، پیش‌بینی خود را به هر دو سال تغییر داد. **قانون مور**، سال‌ها توانست نسل‌های مختلف تراشه‌های کامپیوتری را هدایت کند. زندگی ساده بود. کاربران پیشرفته هر دو سال، که کارایی پردازنده دو برابر می‌شد، یک کامپیوتر جدید می‌خریدند. امروزه، نیز بسیاری از مردم حدوداً هر دو سال یک گوشی جدید می‌خرند. این پیشرفت‌های پایان‌ناپذیر بی‌گمان در پیشرفت دادن هوش مصنوعی در جهت رسیدن به قدرتی که بسیاری از کارهای انسان‌ها را انجام بدهد مؤثر خواهد بود.

قانون سه‌ونیم درصد

رفرم یا انقلاب؟ **اریکا چنوت** (Erica Chenoweth) و همکارش در **دانشگاه دنور**، انقلاب‌ها و رفرم‌های خشن و بدون خشونت گوناگون را از سال ۱۹۰۰ تا سال ۲۰۰۶ مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که جنبش‌های بدون خشونت جهانی دو برابر موفق‌تر از انقلاب‌های باخشونت بوده‌اند. این روند به مرور زمان افزایش یافته است و امروزه به مدد فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی تعداد حرکت‌های اصلاح‌طلبانه و اجتماعی موفق بسیار زیاد شده است.

برای ایجاد تغییرات تنها درصد کمی از مردم ضروری هستند. همه جنبش‌هایی که مشارکت فعال و پایدار فقط ۳.۵ درصد از مردم را به دست آورده‌اند با پیروزی مواجه شده‌اند و اگر این جنبش‌ها از حد ۳.۵ درصد جمعیت پیشی بگیرند، همگی بدون خشونت می‌شوند. امروزه این قانون تجربی به **مدد شبکه‌های اجتماعی** لحظه به لحظه موج‌آفرینی می‌کند، زیرا گردآوردن سه‌ونیم درصد از مردم جوامع مختلف بسیار آسان شده است.

با آن که پژوهش **اریکا چنوت** بیشتر در مورد جنبش‌های سیاسی بوده است این قانون می‌تواند برای **همکاری‌های باز** کارآمد به منظور ساختن ابزارهای تولید و یا اخذ **حق داده‌سازی** و **حق آبادانی** برای مردمی که اینترنت را آباد کرده‌اند نیز صادق باشد. با آن که رسیدن به آستانه ۳.۵ درصد آسان نبوده است و در بسیاری از موارد زمان‌بر بوده است، شبکه‌های اجتماعی هرچه گسترده‌تر و پیشرفته‌تر شوند و مردم بیشتری به فکر حقوق خود بیفتند دستیابی به این عدد جادویی دشوار نخواهد بود. با تدوین یک برنامه جامع و یک نقشه راه دقیق برای نیل به هدف می‌توان تعداد فعالان یک جنبش را به این مقدار رساند. برای یک جنبش در سطح جهان، اگر جمعیت جهان را ۸ میلیارد نفر در نظر بگیریم ۳.۵ درصد آن ۲۸۰ میلیون نفر می‌شود. جمعیت بسیار بزرگی است، اما اگر مردم، به ویژه نخبگان جامعه احساس نیاز کنند بسیج این تعداد از مردم امکان‌پذیر خواهد بود. □

از واقعیت تا رؤیا

همچنان که در مقاله «دولت نامتمرکز در برابر دولت متمرکز و توتالیتراریسم هوش مصنوعی» گفتیم یک عیب مهم دیوان‌های کنونی دیوان سلسله‌مراتبی یا از بالا به پایین یا عمودی است و فناوری بلاک‌چین^۱ که در دوران کودکی خود به سر می‌برد نوید تحول‌آفرین دیوان‌های افقی را داده است.

در شماره دی‌ماه ۱۳۹۶ در حاشیه مقاله «اینترنت آدم‌ها» مطلبی داشتیم با عنوان همین مقاله. در آن مقاله بخشی از مشکلاتی را که برای ساختمانی که دفتر مجله در آن فعالیت می‌کند رخ داده است ذکر کردیم و گفتیم که یکی از ادارات دولتی و کالت فروش سه دانگ از آن ساختمان را در اختیار گرفته است. بخش کوچکی از آن مشکلات در آن مقاله و در مقاله‌های منتشر شده در شماره‌های اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ و تیرماه ۱۳۹۷ آمد. هدف اصلی این مقالات مقایسه دولت در شهر هوشمند و دولت‌های کنونی بوده است و پاره‌ای از نادیوانی‌ها و فرادیوانی‌های مشاهده‌شده در یکی از ادارات به عنوان نمونه آمد تا مزایای دیوان‌های هوشمند شرح داده شود.

در اواخر بهمن‌ماه ۱۳۹۷ (یعنی پس از چاپ شدن آن سه شماره) در خبرها آمد که چند مقام اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران با تلاش پیگیر نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. البته دلیل ذکر شده برای بازداشت در رسانه‌ها ربطی به مطالب ماهنامه ریزپروازنده نداشت که وجود نادیوانی‌ها را در این دیوان به چاپ رسانده بود، اما برای ما نشان داد که مشکلات این دیوان بسیار بیش از آن است که ما گفتیم.

یادآوری می‌کنیم که سازمان اوقاف و امور خیریه یکی از زیرمجموعه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی مطبوعات کشور نیز هست، که با توجه به رویه اعلام وصول مطبوعات باید آن مقاله‌ها را خوانده باشد. شایان ذکر است که در دولت پیش از دولت کنونی متأسفانه رویه‌ای را برای امور اداری اعلام وصول مطبوعات پایه‌ریزی کردند که می‌تواند با اصول قانون اساسی کشور عزیزمان ایران در تعارض باشد، آن هم در دوره‌ای که آن را می‌توان عصر آبروفراوانی^۲ محتوا نام داد. در عصر آبروفراوانی محتوا این مردم هستند که با لایک‌زدن یا با ستاره‌دادن یا تغییر کانال با دکمه کنترل از راه دور مشخص می‌کنند محتوای مطلوب کدام است و محتوای نامطلوب کدام. اما مطابق این رویه جدید، مطبوعات پیش از چاپ باید فایل پی‌دی‌اف آنچه را قرار است چاپ کنند از طریق اینترنت به اداره کل مطبوعات داخلی ارسال کنند و پس از چاپ نیز نسخه چاپی را به این اداره تحویل بدهند و قاعدتاً این دو نسخه نباید تفاوتی داشته باشند. این کار اما یک حُسن دارد و آن این‌که اداره مطبوعات داخلی ناچار است فایل پی‌دی‌اف ارسالی از سوی مطبوعات را به دقت بخواند و با آنچه چاپ می‌شود مقابله کند و عدم تطابق را اعلام کند. یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر سه مقاله ذکر شده را خوانده است.

در مقاله اول، عکسی از بخش آرشیو مجله که بدون اجازه در یک گوشه تلبار کردند چاپ کردیم، از نادیوانی‌ها و فرادیوانی‌ها گفتیم، و نمونه‌ای از اسناد را چاپ کردیم، دیوان‌داران بالادست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کجا بودند؟ چرا مدیران بالادستی وجود این مسائل را رسیدگی نکردند تا کار به جایی نرسد که نیروهایی خارج از وزارتخانه وارد عمل بشوند؟

وقف شدن ملک مشاع در دسرهای فراوانی دارد و معمولاً بازدهی خوبی برای هیچ‌یک از مالکین ندارد. یک مقام این اداره که وکالت فروش سهمی از ملک مشاع را در اختیار گرفته بود و اختیارات گسترده‌ای داشت اظهار می‌دارد که هم می‌تواند ملک را بفروشد و هم وقف کند، و هم حتی به قول خودش می‌تواند به نام خودش کند! این اختیارات در عمل از همان ابتدا همچون یک شمشیر داموکلس بر روی سر ما قرار می‌گیرد، یعنی در برابر نادیوانی‌ها نباید اعتراض کنیم. قبول می‌کنیم که سه دانگ مشاع را بخریم و برای تهیه پول خرید متحمل زیان بسیار سنگینی می‌شویم.

فردی خارج از اداره اوقاف را برای اجرای این معامله معرفی می‌کنند، ناچار می‌شویم چندبار با نگرانی‌های فراوان برای خرید به دفتر بدون تابلوی این فرد مراجعه کنیم، برای پرسش‌هایی مانند این که چرا اجرای امور معامله در ساختمان اداره اوقاف انجام نمی‌گیرد پاسخ‌ها به گونه‌ای است که به یاد شمشیر داموکلس بیفتیم. به عنوان نمونه، یک‌بار روز خاصی از طرف فرد مشخص شده از طرف مسئول اوقاف که وکالت‌نامه به نام اوست برای معامله ملک اطلاع داده می‌شود، با زحمت مبلغ سنگین چک تضمینی درخواستی برای معامله تهیه می‌شود، در ساعت تعیین شده در این دفتر با هم نگرانی حاضر می‌شویم، پس از مدتی حضور، با مقام مسئول اوقاف تماس گرفته می‌شود، اعلام می‌فرمایند در یک سمینار یک شهرستان شرکت دارند. شمشیر داموکلس کردن آیین افتخارآمیز وقف؟

بیش از یک سال بدون مزایده یک واحد این ساختمان را در اختیار دو خانم برای استفاده اداری مرتبط با اداره اوقاف قرار دادند که یکی از نخستین کارهای‌شان پس از ورود به ساختمان خراب کردن بی‌اجازه دوربین‌های ساختمان بوده است. وقتی وقف را شمشیر داموکلس کنند مگر می‌توانید اعتراض کنید؟ ضمناً چگونه است که برای مؤسسات خصوصی رفت‌وآمد آقایان به دفتر شرکت یا مؤسسه‌ای که خانم‌ها در آن مشغول به کار باشند مقرراتی چون نصب تابلو برای دفتر و درب باز در ساعات فعالیت دارد، اما رفت‌وآمد آقایان برای این دفتر تابع این مقررات نبوده است؟

مدارکی از طولانی‌شدن غیرطبیعی استعلام‌های مربوط به دادخواست فروش ملک مشاع در اداره ثبت اسناد و شهرداری - که شمشیر داموکلس را بُرنده‌تر می‌کند - در آن مقاله‌ها به چاپ می‌رسد، بی‌توجهی مجموعه بالادست در وزارتخانه نیز قدرت این شمشیر را دوچندان می‌کند. از بن‌بست دیوانی گفتیم که همه راه‌های دیوانی به بن‌بست برخورد می‌کنند و کسی پاسخ‌گوی خسارات سنگینی که بر ما تحمیل شده است نیست. برای این که دیوان‌داری عمودی کارآمد شود یکی از روش‌های کنترل زیرمجموعه‌های پایین‌دستی توجه به انتقادهای رسانه‌ها از دیوان‌های مختلف و برطرف کردن عیوب ذکر شده است. عدم توجه به نقدهای مطبوعات و رسانه‌ها است که می‌تواند ما را به نادیوانی‌های ماقبل انقلاب مشروطه ببرد. پژوهش‌گران امیدوارند با فناوری بلاک‌چین بتوانند دیوان‌داری افقی با کارآمدی بسیار بالاتر و نظارت دقیق‌تر مردم را حاکم کنند.

وقف یکی از آیین‌های نیک افتخارآمیز در کشور عزیزمان ایران بوده است که پیشینه‌ای کهن دارد و به روزگار ساسانیان می‌رسد. در دوره قاجار پس از انقلاب مشروطه این عمل دینی به توسعه فرهنگی و اجتماعی و ساخت مدارس چون دارالفنون منجر گشت که تحولی نوین را در کشور پدید آوردند. نادیوانی‌ها و فرادیوانی‌ها در این دیوان پرافتخار کشورمان می‌تواند به اعتبار تاریخی آن لطمه وارد کند. □

¹ blockchain

² superabundance